



تاج اصفهانی

هزارستان گلستان ایران

سید مهدی سجادی نائینی

زودتر از همیشه به خانه آمد. همین‌که در را گشود، ندای جانسوزی را در خانه طنین‌انداز یافت. لحظه‌ای آرام و خاموش در آستانه در ایستاد و چون دقت کرد، دانست صدا از اتاق جلال است. بسیار تعجب کرد و از اینکه پسرش دارای چنین حنجره‌ای است خوشحال شد و به تعلیم او همت گماشت.

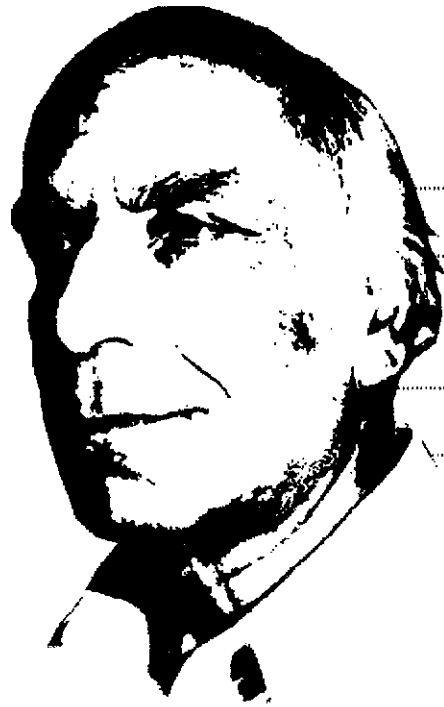
دوران زندگی هنری تاج از اینجا آغاز شد. اولین معلم و آموزگار تاج پدرش بود. پس از آنکه پدر او را با دقایق و ظرایف آواز ایرانی آشنا کرد، وی را به آسید عبدالرحیم اصفهانی سپرد. در آن زمان این مرد استاد مسلم آواز ایران به حساب می‌آمد. پس از آنکه گوشه‌ها و ردیفهای آواز را از آسید عبدالرحیم فراگرفت، پدر او را به خدمت نایب اسدالله نی‌زن مشهور فرستاد. در این زمان تاج اصفهانی را به سبب لقب پدر، تاج‌زاده می‌گفتند. دوران شاگردی تاج در محضر نایب اسدالله نسبتاً طولانی بود. در این مدت او توانست نکته‌ها و دقایق موسیقی ایرانی را فراگیرد.

پس از آنکه از محضر نایب اسدالله استفاده کامل برد به توصیه پدر به خدمت میرزا حبیب شاطر حاجی و حاج عندلیب که از استادان مسلم

مرحوم جلال تاج اصفهانی هنرمند بی‌بدیل آواز، در سال ۱۲۸۲ شمسی در اصفهان به دنیا آمد. پدرش شیخ اسماعیل واعظ اصفهانی نیز علاوه بر تبخّری که در وعظ و خطابه داشت، از صدای خوشی برخوردار بود. به همین جهت به «تاج الواعظین» معروف گردید. «تاج الواعظین» بر اثر حشر و نشر با مردم اهل ذوق آن زمان توانست با گوشه‌ها و ردیفهای آوازی این مرز و بوم آشنا شود. جلال صدای خوش را از پدر به ارث برده بود و از هنگام طفولیت اهل خانه به این موضوع پی برده بودند، اگر چه پدر هنوز نمی‌دانست. چرا که جلال محجوب، به احترام او هرگز صدای خوب خود را بروز نداده بود.

هنگامی که جلال به سن تحصیل رسید او را به مدرسه «علیه» سپردند. در مدرسه قرائت قرآن، اذان و مکتب‌ری نماز به عهده او بود.

جلال چون به ۹ سالگی رسید بالاخره پدر صدای خوش او را شنید و به تعلیم او همت گماشت. در چگونگی وقوف مرحوم شیخ اسماعیل بر استعداد پسر، نویسندگان شرح حال مرحوم تاج اتفاق نظر دارند. از جمله مرحوم روح‌الله خالقی نوشته است: «شبی شیخ اسماعیل



با تأسیس رادیو، تاج به رادیو رفت و پس از آنکه فرستنده اصفهان افتتاح شد، هر هفته مردم اصفهان و بعضی استانهای نزدیک گوش به آواز مردی می سپردند که به غزلیات سعدی و حافظ علاقه بسیار داشت و این علاقه به حدی بود که تاج، اشعار بیشتر آوازه‌هایش را از آثار این دو ستاره آسمان ادب انتخاب می کرد.

آنچه تاج را به حق در زمره هنرمندان استثنایی، شهره خاص و عام کرده است، جدا از احاطه کامل او به گوشه‌ها و ردیف‌های آواز ایران و وقوف وی به شعر و ادب، سلامت نفس و مناعت طبع او بود. در روزگاری که تاج در محافل و مجالس هنری می خواند و همگان را مبهوت هنر خلاقه‌اش می ساخت تعداد زیادی از به ظاهر هنرمندان میهن ما از طریق عفاف خارج شده بودند. در آن روزگار به نام کسانی بر می خوریم که با برخی آلودگیها و انحرافات، نه فقط خود را به نابودی کشاندند بلکه نام هنر را نیز تا حدی آلوده ساختند. تاج به راستی از موارد استثنایی بود. او در طول زندگی نسبتاً طولانی خود به هیچ اعتیادی دچار نشد و در پی هیچ فعل حرامی نرفت. آن مرحوم به قدری به سلامت هنر و هنرمند اهمیت می داد که مجالس او

موسیقی ایرانی بودند شتافت و از محضر آنها استفاده کرد.

آخرین استادی که تاج به سفارش و توصیه پدر به محضرش رفت مرحوم حاج میرزا حسین ساعت ساز معروف به خضوعی بود. پس از اتمام فراگیری از استاد خضوعی، تاج سرآمد شده بود و اندک اندک در مجالس و محافل از صدای گرم و حنجره استثنایی و تسلط او بر دستگاهها و گوشه‌های موسیقی سخن گفته می شد.

تاج همیشه از آسید عبدالرحیم و میرزا حسین ساعت ساز خضوعی، اولین و آخرین استادانش، تجلیل می کرد. اجرای اولین کنسرت رسمی تاج در ۲۰ سالگی او بود که برای نخستین بار در تهران برگزار شد. در این کنسرت تاج به همراه مرتضی محجوبی، غزلی از فرخی و تصنیفی از ملک الشعراء بهار را اجرا کرد. سادگی لباس و فروتنی تاج در صحنه تا مدتها زبانزد دوستان و هنر در تهران و سایر شهرهای ایران بود.

پس از این کنسرت و شهرت نسبی تاج، صدای گرم و پرتعداد او به وسیله صفحات ۷۸ دور به گوش هموطنان می رسید. چرا که هنوز رادیو تأسیس نشده بود.



اصغر شاهزیدی و علیرضا افتخاری نیز از دیگر شاگردان تاج هستند که با اجرای سبک تاج، یاد استاد را زنده نگاه داشته‌اند. هر چند نام آن مرحوم زنده است و هرگز از یادها نمی‌رود.

همچنین بسیاری از استادان امروز نیز، از طریق نوارهای تاج شاگردی او را کرده‌اند و امروز از صاحب‌نظران و بزرگان آواز ایرانی به‌شمار می‌روند. آنها که در محضر تاج اصفهانی تلمذ کرده‌اند، می‌گویند مرحوم تاج هرگز شاگردانش را به‌عنوان شاگرد خطاب نمی‌کرد و کلماتی همچون پسر، فرزندی، عزیزم و اصطلاحاتی از این دست به‌کار می‌برد. این امر باعث شده بود تا بر کلاسهای تاج اصفهانی هاله‌ای از معنویت و عرفان و اخلاق حکمفرما باشد.

سبک و شیوه آوازخوانی تاج در مکتب اصفهان است. مکتب اصفهان نسبت به مکاتب دیگر اعتبار بیشتری دارد. در این مکتب هفت اصل؛ انتخاب شعر، تلفیق شعر و موسیقی، ابداع و تنوع ملودی، ادوات و تنوع تحریر، جمله‌بندی، همسازی و ابداع

به‌دور از هرگونه لهو و لعب برگزار می‌شد، طرفه آنکه این شرط شامل مجالس بسیار کوچک و دوستانه وی نیز می‌شد.

از دیگر ویژگیهای مرحوم تاج رضامندی وی بود. مرحوم تاج از همه تعریف و تمجید می‌کرد. دوستان و نزدیکان او با قاطعیت ادعا می‌کنند حتی یک‌بار گلایه یا کلامی که رنگ تگدر و رنجش در آن باشد از وی نشنیده‌اند.

گفتیم که تاج به حافظ و سعدی علاقه بسیار داشت، اما در مورد سعدی خود را مرید خاص او می‌دانست و شاید به‌همین دلیل بهترین آوازهای او اشعار سعدی است. حافظه مرحوم تاج نیز زیانزد بود. این حافظه وقتی با مناسب‌خوانی خاص او توأم می‌شد مجالس وی را رنگ و بویی عرفانی می‌بخشید. از مناسب‌خوانی او استادکسائی روایت می‌کند که در سال ۱۳۲۹ در جریان ملی شدن صنعت نفت به آبادان می‌روند. در سالنی که به اصطلاح جای سوزن انداختن نبود مرحوم تاج این رباعی را می‌خواند:

دردی بتر از علت نادانی نیست

جز علم دواى این پریشانی نیست

با آنکه به روی گنج منزل داریم

بدبخت و فقیرتر ز ایرانی نیست...

اگر چه استادان تاج انگشت‌شمار بودند اما شاگردان بی‌شماری تربیت کرد.

سعه صدر، مناعت طبع و دوری از بخل و حسد استاد تاج باعث شده بود با شاگردانش رابطه‌ای پدرانه داشته باشد. تاج به‌ندرت شاگردانش را ناامید و مأیوس می‌کرد. به‌طوری‌که اگر شاگردی دو دانگ صدایی داشت او را به‌خواندن تشویق می‌کرد. و خود نیز به دور از غرور و افاده برای آن شاگرد دو بیتی‌بی‌زمزمه می‌کرد. یکی از شاگردان مستعد تاج، محمدرضا شجریان بود. این شاگرد پرآوازه در مقاله‌ای مفصل که در یادنامه تاج نوشته است به تفصیل سبک کار تاج را بیان کرده و به استادی او اعتراف و افتخار کرده است.

آنچه تاج را به حق در زمره هنرمندان استثنایی، شهره خاص و عام کرده است، جدا از احاطه کامل او به گوشه‌ها و ردیف‌های آواز ایران و وقوف وی به شعر و ادب، سلامت نفس و مناعت طبع او بود. تاج به حافظ و سعدی علاقه بسیار داشت، اما در مورد سعدی خود را مرید خاص او می‌دانست و شاید به همین دلیل بهترین آوازهای او اشعار سعدی است. حافظه مرحوم تاج نیز زیانزد بود. این حافظه وقتی با مناسب‌خوانی خاص او توأم می‌شد مجالس وی را رنگ و بویی عرفانی می‌بخشید.

اعتبار اساسی دارد و مرحوم تاج واقعاً بر این اصول پایبند بوده است.

استادانی همچون ابراهیم آقاباشی، سید رحیم اصفهانی، میرزا حسین ساعت‌ساز، سید حسین طاهرزاده و میرزا حبیب معروف به شاطر حاجی در نگهداری این مکتب کوششهای فراوان کرده‌اند و تاج به منزله آخرین بازمانده این مکتب، همواره سعی می‌کرد این ارزشها را سینه به سینه به شاگردانش منتقل کند. خود نیز در شیوه آوازخوانی اصراری عجیب بر مراعات آنها داشت.

تاج همواره سعی داشت تا با دیدار برجسته‌ترین هنرمندان و نشست و برخاست با آنان، خود و هنر خود را تعالی بخشد. این سعی و کوشش و احترام به هنری که خود می‌دانست چیست سبب شد تا حسادت‌ها و شرایطی که در آن روزگار بر رادیو سایه افکنده بود در مورد تاج به جایی نرسد و او همواره در قلوب ملت ایران جایی شایسته داشته باشد، به طوری که علاوه بر مردم عادی که بی‌صبرانه منتظر فرارسیدن زمان پخش برنامه‌اش بودند، شعرا و گویندگان و سرایندگان بسیاری نیز به او توجه داشتند. حاصل این توجه، اشعار و سروده‌هایی است که در زمان حیات به او هدیه شده است.

ذکر همه این اشعار مسلماً در حوصله این مقاله نمی‌گنجد اما بجاست به مطلع بعضی اشاره کنیم؛ علامه فقید جلال همائی در قطعه‌ای با مطلع:

بغیر عشق که آرامش دل بشر است
به هیچ کار جهان دل منه که در دسر است

با بیت زیبای زیر به نام تاج اشاره می‌کند:

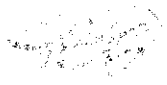
سرود سعدی و آواز تاج و ساز صبا

به تاج و تخت کیانی مده که مختصر است
حسام‌الدین دولت‌آبادی شاعری که تاج پس از سعدی و حافظ، به اشعار او علاقه خاصی نشان می‌داد. درباره تاج این‌گونه سروده است:
مطرب این‌گونه که آغاز کنی ساز امشب
ترسم از پرده برون اوفتدم راز امشب
زهره در چرخ به رقص آوری از نغمه ساز
چونکه با ساز تو شد تاج هم‌آواز امشب
ابوالحسن ورزی قطعه‌ای دارد که با این دو بیت آغاز می‌شود:

به من آن روز بخشیدند عمر جاودانی را
که نوشیدم ز جام عشق آب زندگانی را
نوای بلبلم در گوش آوای غراب آمد
چو دیدم نغمه‌خوان در باغ، تاج اصفهانی را
نواب صفا، شاعر کرمانشاهی که در زمان حیات تاج با او دوستی داشت، برای وی می‌سراید:
عالمی زنده شد از بانگ خوش تاج امشب
بانگ او برده مرا جانب معراج امشب

جعفر نواببخش اصفهانی متخلص به نوای اصفهانی نیز برای تاج گفته است:

صد آفرین به نایت ای تاج اصفهانی
جان را دهد نوایت پیوند جاودانی
و شاعر دیگری به نام جمال جناب‌پور که می‌گوید:
ای صبا گوی ز من تاج صفاهانی را
بلبل آموخت ز تو رسم غزلخوانی را



منوچهر سلطانی هم در قطعه‌ای به نام «گل دسته دسته» می‌گوید:

در بزم دوستان هنرمند نکته‌سنج
آواز تاج و مهری تارم آرزوست
مرحوم مهدی نوائی نیز دو بیت موشح به نام تاج
سروده است:

تا به گوشم خورد آن صوت ملیح
از دل افغان برکشیدم چون رباب
جان به قربان تو ساقی، جام می
ده که کردی خانه دلها خراب

و دو بیت از شاکر اصفهانی:

گر نغمه داوود پیمبر باشد
حاشا که ز آواز تو بهتر باشد
مردم همه بر فرق نشانند تو را
البته مقام تاج بر سر باشد

تاج در ۱۴ آذرماه ۱۳۶۰، در ۸۶ سالگی در
شهر اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، تکیه
سیدالعراقین به خاک سپرده شد. با مرگ تاج شهر
اصفهان هنرمندی بی‌نظیر را از دست داد، انسان
برجسته‌ای که صرف نظر از هنر و هنرمندی، واجد
همه صفات نیک انسانی بود. از تاج ۴ پسر و ۲
دختر باقی مانده است.

در مرگ تاج نیز اشعار و ماده تاریخی ساخته
شد. این اشعار و ماده تاریخیها و مرثیه‌ها، بیانگر
مقام هنری تاج اصفهانی است.

حسام‌الدین دولت‌آبادی قطعه‌ای دارد که در بیتی
از آن، ماده تاریخ درگذشت تاج را بیان می‌دارد.

سال فوت زد رقم کلک حسام

رفتی از عالم، جلال‌الدین تاج

علی مظاهری متخلص به مظاهر، قطعه‌ای
غم‌انگیز در مرگ تاج سروده است:

رشته تار گسست و کمر چنگ شکست
ساز ناساز شد و رونق آهنگ شکست
از سر پادشاهان تاج اگسر افتاد چه غم
حیف و صد حیف که این تاج گرانسنگ شکست
مرگ تاج آنچنان برای دوستداران و اهل هنر

جانگداز بود که همه مردم اصفهان را عزادار
ساخت. با مرگ وی صدایی خاموش شد که بیش از
۷۰ سال در همه جا و به خصوص در شهر اصفهان
طنین‌انداز بود. در هنگامه خاموشی تاج که پس از
چند ماه افسردگی و ناراحتی قلبی صورت گرفت،
علاوه بر فرزندان و اعضای خانواده، اولین کسانی
که بر بالین او آمدند، استاد حسن کسایی (نوازنده
بی‌نظیر نی و استاد مسلم موسیقی ایران که از دوستان
قدیم استاد بود) و شاطر رمضان ابوطالبی بودند.

روز دوشنبه ۱۶/۹/۱۳۶۰، مراسم یادبودی در
مسجد لبنان اصفهان به مناسبت درگذشت مرحوم
تاج برگزار گردید. مراسمی که مملو از هنردوستان
و هنرمندان و مردمی بود که تاج را می‌شناختند و
برایش احترامی عمیق قایل بودند.

مسلماً این شرح حال کوتاه نمی‌تواند بیانگر
جایگاه و مقام واقعی مرحوم تاج باشد. تاج هنرمند
بزرگی بود که هرگز هنرش را برای سود دنیوی به
ابتذال نکشاند و مراکز صوتی و کمپانی‌های ضبط
صفحه، با آن ریخت و پاش‌های کلان نتوانستند
اصالت کارش را از بین ببرند. بدون شک نام تاج و
آوازه آثار او به مثابه یادگارهای هنری و تاریخی، به
نسلهای آینده خواهد رسید.

سخن را با قطعه‌ای از خسرو احتشامی متخلص
به مجنون به پایان می‌بریم:

ز داغ تاج چنان سویه در همایون است

که پرده دل عشاق چشمه خون است
ز آه، آینه اصفهان ملال‌انگیز

ز درد گریه زاینده رود گلگون است
نوا به شیوه بیداد می‌کند فریاد

که سوز ماتم یاران ز وصف بیرون است
ز شور کعبه آواز بیدلان افتاد

حجاز را سر دیوانگی چو مجنون است
به باغ نغمه چکاوک نمی‌زند پر و بال

گل سکوت به گیسوی چنگ و قانون است
مرا ترانه غمگین ز مرگ موسیقی است

هوای مرثیه دارد دلی که محزون است